

تجدد و بررسی

مطبوعات انگلیسی رکن چهارم یا چرخ پنجم



○ مسعود شهامی پور



دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

آنچه مطالعه و مرور سیر تکوین مطبوعات انگلیس را در این کتاب تا حدودی دشوار می‌سازد، تداخل زمانها و ارجاعهای مکرر هر مبحث به تاریخچه و ریشه‌های بحث است؛ به طوری که خواننده کمتر موفق به تعقیب سیر تکوین یک بحث در گستره‌ی توالی و نظم تاریخی موضوع می‌گردد. اما به هر کیفیت، کتاب انباشته از اطلاعات ریز و درشت است که می‌توان هر صفحه یا بخش را مستقل از دیگر مباحث مطالعه کرد و به اطلاعاتی چند از مقاطع گوناگون حیات مطبوعات انگلیس دست یافت.

در مطالعه کتاب حاضر، نگاهی مختصر به تاریخچه مطبوعات انگلیس داریم: دورتر از ۵۰۰ سال پیش، انتشار اخبار در انگلیس به بهانه حفظ تمامیت پادشاهی انگلیس ممنوع بود و شدت این ممنوعیت به حدی بود که مجازات تبعید، شکنجه و حتی اعدام را در پی داشت. نخستین روزنامه انگلیس نیز به همین دلیل در خارج از مرزهای این کشور در آمستردام هلند چاپ می‌شد. اما نسلهای بعدی روزنامه‌نگاران انگلیس به بنیانگذاری و

اخبار که تهدیدی مستقیم بر ضد سلطنت و حکومت دولتمردان وقت انگلیس قلمداد می‌شد مجازات حبس، تبعید، شکنجه و اعدام را تحمل کرده بودند. به همین دلایل بود که در قرن هفدهم نخستین روزنامه انگلیسی در آمستردام چاپ و مخفیانه در انگلیس منتشر می‌شد.

مؤلف کتاب مطبوعات انگلیس در گردآوری تاریخچه و تشریح وضعیت مطبوعات انگلیس از سده‌های شانزده تاکنون کوشیده است نمایی کلی از سابقه و وضعیت حاکم بر حیات مطبوعات انگلیس را در مجموعه خود گرد آورد.

این کتاب حاوی شش فصل است که فصلهای اول تا سوم به تأثیر رسانه‌ها، چگونگی کسب قدرت در نظام انگلیسی و تاریخچه مطبوعات از قرن ۱۷ تا ۲۱ می‌پردازد. فصل چهارم کتاب به معرفی نقش آفرینان رسانه‌ها اختصاص دارد و در فصلهای انتهایی به تبیین جایگاه رسانه‌ها و روابط دوسویه رسانه‌ها با مردم، احزاب و دولت پرداخته شده است. ضمن این که متن قانون مطبوعات انگلیس نیز به کتاب افزوده شده است.

- مطبوعات انگلیس، رکن چهارم یا چرخ پنجم
- سلیمان حیدرپور دعویسرا
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

انگلیس چندین دهه پس از غروب خورشید در قلمرو امپراتوری‌اش همچنان یکی از قدرتهای برتر دنیا است و جایگاهش را به منزله بازیگر اصلی میان هفت کشور صنعتی جهان حفظ کرده است. در چنین سرزمین و حکومتی که برای سیاستمدارانش آن چنان هوشمندی و اقتدار افسانه‌ای قایل‌اند که گویی از پس همه بحرانها «موفق» به درمی‌آیند، مطبوعات به مثابه قدرت برتر و وجدان آگاه جامعه انگلیس درآمده است. در توصیف دامنه و حدود این برتری همین بس که بدانیم بیش از دویست سال پیش خبرنگار به منزله چهره برجسته اجتماعی و سیاسی، همتای اشراف، نظامیان و حقوقدانان به پارلمان انگلیس راه می‌یافت.

اما این جایگاه، با ریج و تحمل مصایب طولانی روزنامه‌نگاران به دست آمده است؛ چرا که نسلهای پیشین روزنامه‌نگاران انگلیسی تنها به جرم انتشار

آن چه مطالعه و مرور سیر تکوین مطبوعات انگلیس را در این کتاب تا حدودی دشوار می‌سازد، تداخل زمانها و ارجاعهای مکرر هر مبحث به تاریخچه و ریشه‌های بحث است؛ به طوری که خواننده کمتر موفق به تعقیب سیر تکوین یک بحث در گستره توالی و نظم تاریخی موضوع می‌گردد

قوانین تحمیلی مالی عبور کنند؛ زیرا مالیات بر آگهی و مالیات تمبر روزنامه، بهای نشریات را به طور مصنوعی بالا نگه می‌داشت و مردم را از داشتن روزنامه ارزان محروم می‌کرد.

حضور مطبوعات در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی انگلیس در نیمه دوم قرن نوزدهم بیش از حضور نمایندگان مجلس بود؛ به طوری که با فشار مطبوعات دولت ناگزیر از تشکیل کمیته سلطنتی به منظور احداث مسکن برای افراد کم‌درآمد شد و از اواسط قرن ۱۹ روابط مردم، مطبوعات و دولت شکل حقیقی به خود گرفت. بسیاری از مورخان معتقدند که در جنگ اول جهانی مطبوعات انگلیس کاملاً نقش مجلس را بازی می‌کردند. مطبوعات این حق را داشتند که به مثابه نماینده افکار عمومی نقش قدرت چهارم را در کنترل دولت، ارائه ابتکار عمل سیاسی و انتقال از عملکرد دولت بازی کنند.

برای پاره‌ای از صاحبان روزنامه‌های نوین، تیراژ و طبقاتی بودن روزنامه‌ها اساس قدرت چهارم تلقی می‌شد.

روزنامه‌هایی چون دیلی میل، دیلی میرور و دیلی اکسپرس پیش‌تاز روزنامه‌های عامه‌پسند یا تیراژ بالاتر از یک میلیون بودند. این روزنامه‌ها با جذب خوانندگان بی‌شمار، باعث بروز مشکلاتی برای روزنامه‌های وزین می‌شدند که در رقابت با آنها ناگزیر از پایین آوردن قیمت می‌شدند. همین امر باعث وابسته شدن صاحبان این روزنامه‌ها به یارانه می‌شد و اینان نیز به ناگزیر به سرمایه‌داران رو می‌آوردند؛ سرمایه‌دارانی که جز منافع سیاسی به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. این آفت بزرگی بود که می‌توانست از توان روزنامه‌ها به منزله رکن چهارم بکاهد. برای نمونه، روزنامه‌های استاندارد (The Standard) و گلوب (The Globe) صفحات خود را در اختیار حزب یونیونیست قرار دادند.

قرن نوزدهم

تا پیش از قرن نوزدهم خبرنگاری شغلی تقریباً ناشناخته بود و خبرنگاران به دلیل انتشار اخبار ناگوار

جهت منافع صنفی، بلکه برای آگاهی مردم از مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌دانستند. جیمز میل، نویسنده کتاب آزادی مطبوعات (۱۸۲۱) می‌نویسد: «مطبوعات باید در تحریک مردم کاملاً آزاد و از هرگونه محدودیت به دور باشند؛ زیرا با مخالفت مردم می‌شود عیوب دولتهای فاسد را برطرف ساخت. آزادی مطبوعات برای حفظ حقوق مردم و ابزار اصلی برای تحریک مردم بر ضد دولت در همه کشورهای متمدن امری ضروری است.

جان استوارت میل نیز ۴۰ سال بعد از جیمز میل، مطبوعات را نه تنها یک کاتال افکار عمومی، بلکه نگهبان ملت با عقاید و رفتارهای مختص خود معرفی کرد.

هنری ریو دبیر سرویس خارجی و مقاله‌نویس تایمز در ابتدای سردبیری‌اش در روزنامه ادینبورگ ریویو (Edinburgh Review) نوشت: «لزمه قدرت مطبوعات یا رکن چهارم از قرن هفدهم شروع شد و در اواسط قرن نوزدهم قدرتمندتر از هر قوه‌ای در انگلیس گردید. این قدرت مدیون سه عنصر بود:

۱. مطبوعات با اطلاع‌رسانی به مردم، خود نیز بخشی از نمایندگان مردم بودند.
۲. مجلس نمی‌توانست نماینده کل اقشار جامعه باشد؛ زیرا درصد افرادی که رأی نمی‌دادند بیشتر از رای‌دهندگان بود.
۳. مجلس نیمی از سال را در تعطیلی به سر می‌برد و این باعث ایجاد خلأ در جامعه می‌شد تنها با وجود ژورنالیسم می‌توانست پر شود.

مؤلف می‌نویسد: «مورخان تنوع در مطبوعات را از عناصر اولیه قدرت مطبوعات می‌شناسد و مطبوعات زمانی به منزله رکن چهارم پا می‌گیرند که مخالفان و موافقان بدون هر گونه دغدغه‌ای نظریات خود را بیان کنند و مطالب از راههای مختلف که شامل فکر، احساس، پیشداوری و شور و حال باشد، منتشر گردد که این مجموعه را افکار عمومی می‌نامیم. طرفداران رکن چهارم در ابتدای مبارزات خود بر ضد دولت می‌کوشیدند از فراز مانع

راه‌اندازی مطبوعات در کشورهای انگلیسی زبان چون آمریکا، هند، استرالیا و آفریقای جنوبی پرداختند و مطبوعات و روزنامه‌نگار در انگلیس در کنار نظام سنتی قضایی این کشور به مثابه رکن نظارتی و وجدان آگاه مملکت ایفای نقش کرد.

در نیمه قرن هفدهم، ۲۰۰ عنوان روزنامه در انگلیس منتشر می‌شد و دولت در برابر سیل انتقادات ناگزیر از انتشار نشریه آکسفورد گزت (Oxford Gazette) به سردبیری معاون وزیر کشور وقت شد. در قرنهای ۱۶ و ۱۷ بود که واژه‌های Journalism و Newspaper و News وارد فرهنگ انگلیس شد.

در قرن هجدهم لغو سانسور مطبوعات، تیراژ روزنامه‌ها را به ۲/۵ میلیون نسخه در روز رساند و در لندن نیز ۵۲ روزنامه منتشر می‌شد.

واژه Fourth - State یا رکن چهارم را اولین بار در سال ۱۷۷۴ ادموند بورک نویسنده حقوقدان و نماینده مجلس عوام مورد استفاده قرار داد. او گفت: در مجلس سه قدرت حضور دارند ولی قدرت چهارمی در تالار خبرنگاران حضور دارد که مهتر از سایر قواست و دولت برای نظارت مطبوعات باید روزنامه‌های دولتی تأسیس کند. بعدها توماس کارلایل گفته بورک را در نشریه Hero and Hero Worship درباره رکن چهارم نقل کرد.

این جایگاه برای مطبوعات انگلیس به آسانی به دست نیامد؛ بلکه مبارزات طولانی و بی‌امان نویسندگان و صاحبان مطبوعات و عقب‌نشینی گام به گام دولتها و لغو و سهل گردیدن قوانین، پشتوانه چنین جایگاهی است. جایگاهی که آگاه‌سازی مردم از بخش اعظم اطلاعات روزمره و دسترسی آنها به تحلیل و تفسیر تحولات را وظیفه اصلی مطبوعات ساخته است.

اما فضای سیاسی مناسب برای مطبوعات انگلیس تنها از اوایل قرن نوزدهم یعنی حدود دوپست سال پس از انتشار نخستین روزنامه فراهم می‌آید. برخی مطبوعات انگلیس از سال ۱۸۱۶ به بعد دخالتهای دولت را در مطبوعات مورد حمله و انتقاد قرار دادند و این انتقادات را نه مبارزه‌ای صرفاً در

زمزمه قدرت مطبوعات یا رکن چهارم از قرن هفدهم شروع شد و در اواسط قرن نوزدهم قدرتمندتر از هر قوه‌ای در انگلیس گردید. این قدرت مدیون سه عنصر بود:

۱. مطبوعات با اطلاع‌رسانی به مردم، خود نیز بخشی از نمایندگان مردم بودند.
۲. مجلس نمی‌توانست نماینده کل اقدار جامعه باشد؛ زیرا درصد افرادی که رأی نمی‌دادند بیشتر از رأی دهندگان بود.
۳. مجلس نیمی از سال را در تعطیلی به سر می‌برد و این باعث ایجاد خلأ در جامعه می‌شد تنها با وجود ژورنالیسم می‌توانست پر شود

از ژورنالیست‌ها در این دوره به هدر رفت. در همین دوره بود که خبرنگاران در اطلاع‌رسانی صحیح اخبار و تحولات مجلس، اختلاسها و مسائل اساسی مردم ناتوان بودند.

اما چنین تضییقاتی فقط مطبوعات وزین را رنج می‌داد؛ زیرا روزنامه‌های عامه‌پسند فارغ از درگیری با چنین مسائلی فروش خوب و رضایت‌بخشی داشتند و درآمد سرشار آگهی، صاحبان این روزنامه‌ها را تأمین می‌کرد.

جیره‌بندی‌ها سرانجام در آستانه دهه ۶۰ پایان گرفت. دلیلی اکسپرسی زبده‌ترین خبرنگاران را به استخدام درآورد و تیراژش از ۴ میلیون نسخه در روز فراتر رفت.



۱۹۸۰ هـ

این دهه را باید دهه تحول عمده در صنعت مطبوعات انگلیس دانست؛ زیرا اخبار اعتصاب معدنچیان درصدر خبرهای مطبوعات قرار گرفته بود و مارگارت تاچر، نخست‌وزیر وقت انگلیس را تحت فشار شدید سیاسی، اجتماعی قرار می‌داد. روبرت مرداک بزرگترین گرداننده رسانه‌های گروهی جهان با همراهی تاچر برای مقابله با چنین شرایطی تحولی را به وجود آورد که در تاریخ مطبوعات انگلیس به انقلاب وایینگ موسوم است.

در تشریح چگونگی این انقلاب باید به وضعیت روزنامه‌تایمز اشاره کرد که در پی مشکلات مالی به مرداک فروخته شد و صاحب جدید، تایمز را از فلیت استریت (مرکز مطبوعاتی لندن) به منطقه وایینگ انتقال داد؛ در حالی که خبرنگاران و کارگران چاپخانه‌ها با پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری خواستار افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار بودند. اینان مرداک را تهدید می‌کردند که اجازه چاپ و انتشار روزنامه را به وی نخواهند داد. اما در لحظه‌ای که همگان انتظار پیروزی اتحادیه کارگری را داشتند مرداک که مخفیانه فن‌آوری چاپ رایانه‌ای را در وایینگ با کارگران آموزش دیده در خارج از لندن آماده کرده بود، به چاپ روزنامه تایمز پرداخت. او با این کار به غیر از غلبه بر اتحادیه‌های کارگری، موفق شد مرکزیت مطبوعات لندن را از فلیت استریت که از قرن هفدهم پایه‌گذاری شده بود، به وایینگ منتقل کند و همه این اقدامات با حمایت تاچر صورت می‌گرفت.

تأثیر دو جنگ جهانی بر مطبوعات دو جنگ جهانی ضربات مهلکی بر مطبوعات انگلیس وارد کردند. در این دو دوره مطبوعات وظیفه داشتند بر اثر سانسور دولتی از تمام عملکردهای دولت حمایت کنند؛ برای بسیج عمومی و افزایش روحیه نظامیان تبلیغات گسترده‌ای کنند و در غیر این صورت تحت تعقیب قرار می‌گرفتند. ادامه جنبه‌هایی از این وضعیت در خلال دهه‌های بیست و سی و نیز دهه‌های بعد از پایان جنگ دوم به گرایش تام برخی مطبوعات به محافل سیاسی انجامید و همزمان مطبوعات آزاد و سردبیران مستقل تحت فشارهای مالی و سیاسی قرار گرفتند. در نتیجه، چندین روزنامه از تسلط سهامداران متعدد به درآمد و به دست سهامدارانی خاص افتاد. طی جنگ دوم و پس از آن سانسور شدید، جیره‌بندی کاغذ، بی‌انگیزگی مدیران و حضور روزنامه‌های عامه‌پسند روزنامه‌های وزین و معتبر انگلیسی را تحت فشار شدید مالی قرار داد. دولت انگلیس جیره‌بندی کاغذ را تا ۱۳ سال پس از جنگ ادامه داد؛ درحالی که آفتاب امپراتوری انگلیس در خارج از مرزهای این کشور غروب کرده بود و پرده آهنین بلوک شرق جنگ سرد را بر جهان حاکم ساخته بود. کاغذ به صورت ورقه‌های روزنامه‌ای در ۸ صفحه به دست روزنامه‌ها می‌رسید و روزنامه‌هایی مانند تایمز مجبور بودند برای افزایش صفحات خود از ۱۰ به ۱۲ صفحه، تیراژشان را پایین بیاورند. شرایط این دوران صنعت مطبوعات را برای صاحبانش به صنعتی نگران‌کننده تبدیل کرد و استخدام خبرنگار در مطبوعات به شدت کاهش یافت و عمر یک نسل

از احترام و اعتماد چندانی در جامعه انگلیس برخوردار نبودند. تنها از سال ۱۸۶۰ بود که برای شغل خبرنگاری حقوق ویژه در نظر گرفته شد. اما امتیازهای اجتماعی و مادی چشمگیر نصیب سردبیران و مدیران مطبوعات می‌شد؛ هر چند که درآمد اینان نیز از همقطارانشان در حوزه‌های دیگر اجتماعی بسیار کمتر بود. یک معاون سردبیر در لندن معادل یک چهارم سردبیر حقوق می‌گرفت و به دنبال آن سرمقاله‌نویس، خبرنگار پارلمانی و خبرنگار بخش خارجی در پایه‌های بعدی دریاقتی در روزنامه‌ها قرار می‌گرفتند. این پایه‌ها درحالی مقرر شده بود که خبرنگاران حتی از امنیت شغلی برخوردار نبودند و انجمن ملی ژورنالیسم (National Association of Journalism) نیز از آنان حمایت نمی‌کرد. تنها از سال ۱۸۹۰ و با تأسیس مؤسسه ژورنالیسم (Institute of Journalism) و اتحادیه ملی ژورنالیسم (National Union of Journalists) در سال ۱۹۰۷ معضلات خبرنگاران تا حدودی مرتفع شد. حضور زنان در مطبوعات انگلیس نیز از اواخر قرن نوزدهم رو به افزایش گذاشت.

روزنامه‌هایی چون پال مال گازت زنان را به استخدام درآوردند و حقوقی برابر با مردان به آنان پرداخت کردند. شمار زنان در مطبوعات انگلیسی در سال ۱۹۱۰ به حدی رسیده بود که انجمن زنان ژورنالیست تأسیس شد.

آن چه به منزله نقطه عطف حیات مطبوعات در قرن نوزدهم قابل تأمل است گسترش مطبوعات از سال ۱۸۵۰ به بعد است؛ دوره‌ای که مطبوعات از احترام اجتماعی برخوردار شدند که رویکرد تجار و نیز احزاب سیاسی به مطبوعات را به دنبال داشت. همین امر صاحبان روزنامه‌ها را به جانب تجارت و افزایش درآمد از طریق آگهی و جانبداری‌های سیاسی کشاند؛ به نحوی که روزنامه‌ها نقش نگهبانی از ملت را از دست دادند.

این وضعیت تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت. به دلیل وابستگی تام مطبوعات به درآمد آگهی‌ها، مردم کاملاً در حاشیه قرار گرفتند. این در حالی است که جایگاه اجتماعی مطبوعات به خبرنگاران این امکان را بخشید تا همچون سیاستمدار وارد نهادهای دولتی شوند یا در مقام نمایندگان محافظه‌کاران، لیبرال‌ها و کارگران وارد مجلس شوند؛ جایی که تا پیش از آن فقط حقوقدانان و نظامیان اجازه عضویت داشتند.

در بین روزنامه‌های انگلیس ایندیندنت در سال ۱۹۹۷ مقررات ویژه‌ای وضع کرد که براساس آن نحوه رشوه گرفتن خبرنگاران تبیین شده بود. از جمله پذیرفتن بلیت تئاتر از جانب خبرنگاران زمانی مجاز است که با اجازه مدیر مسئول روزنامه باشد. دعوت خبرنگار به میهمانی ناهار باید دو طرفه باشد و گر نه رشوه محسوب می‌شود.

جمله پذیرفتن بلیت تئاتر از جانب خبرنگاران زمانی مجاز است که با اجازه مدیر مسئول روزنامه باشد. دعوت خبرنگار به میهمانی ناهار باید دو طرفه باشد و گر نه رشوه محسوب می‌شود.

جان فوستر، دبیر کل اتحادیه خبرنگاران انگلیس می‌گوید: جامعه ای‌مدال آن است که به خبرنگاران به حد کافی حقوق داده شود تا خریداری نشوند.

اما استفن ووامک، سردبیر نشریه پست مگزین می‌گوید: لازمه گرفتن اطلاعات وسیع از شرکت‌های مختلف این است که با مسئولان مربوطه رابطه برقرار شود و اگر هدایا یا ناهار شرکتها مورد قبول قرار نگیرد، این خطر وجود دارد که اطلاعات غلط از سوی مسئولان این شرکت القا شود.

۱- بی‌بی‌سی سفرهای مجانی و قبول هدایای گران‌قیمت را ممنوع کرده است. اما گرفتن قلم یا هدایای کوچک را بدون اشکال می‌داند.

۲- ایندیندنت سفرهای مجانی را کاملاً ممنوع کرده و کلاً هدیه گرفتن خبرنگاران این روزنامه ممنوع است.

۳- گاردین هیچ ممنوعیتی برای خبرنگارانش قایل نیست مگر مواردی که سردبیر نظر منفی داشته باشد.

۴- دیلی میرور جهت دریافت اخبار جنجالی بودجه‌ای را برای خرید خیر و پرداخت رشوه تعیین کرده است.

قانون مطبوعات

نخستین بیانیه رسمی دولت انگلیس به منظور سانسور مطبوعات در سال ۱۵۲۰ صادر شد. کلیه ناشران براساس این قانون موظف بودند مطالب را قبل از چاپ به رؤیت مقامات دولتی برسانند.

در سال ۱۹۸۶، سازمان بین‌المللی حقوق بشر برای مقابله با سانسور ایجاد شد.

تاکنون طرح‌های مختلف برای تحدید آزادی مطبوعات در انگلیس به دلیل مخالفت سردبیران در مجلس به تصویب نرسیده است. اما پیگیری سردبیران برای بررسی شکایات افراد حقیقی و حقوقی از روزنامه‌ها به تشکیل کمیسیون شکایات از مطبوعات منجر شده است. البته تاکنون کمتر شکایتی در این کمیسیون مورد رسیدگی قرار گرفته است؛ زیرا اکثر افشاکاری‌ها مستند است و شاکیان با ارائه مدرک از جانب روزنامه‌ها متقاعد شده‌اند.



نقش آفرینان رسانه‌ها

افشای رشوه‌خواری‌ها، فساد اخلاقی و معاملات پنهانی سیاستمداران جنبه بارز توان و اقتدار مطبوعات انگلیس را به نمایش می‌گذارد.

چهره برجسته دهه‌های پیشین در مطبوعات انگلیس جیمز لوئیس گاروین است که در خلال سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۴۲ سردبیر آیزور بود که از این روزنامه یک نشریه مستقل و به دور از نفوذ احزاب سیاسی و غولهای مطبوعات فلیت استریت ساخت. مورخان او را غول ژورنالیسم انگلیس می‌خوانند و معتقدند که با کناره‌گیری او از سردبیری آیزور، آفتاب دوران طلایی سردبیران انگلیسی نیز غروب کرد. دورانی طولانی که معتقد بودند تنها شاهان، ملکه‌ها، کشیشها و قضات از خبرنگاران بالاترند.

آلفرد هارمزورث را اولین امپراتور دوران مدرن مطبوعات انگلیس می‌شناسند. او در اوایل قرن بیستم ۳۹ درصد از روزنامه‌های صبح و ۳۱ درصد از روزنامه‌های عصر لندن را در اختیار داشت و به سلطان فلیت استریت (مرکز مطبوعات لندن) ملقب شد. او صاحب آیزور، دیلی میل، اوینینگ نیز بود. در ۱۹۰۳ روزنامه ویژه زنان را در انگلیس با عنوان دیلی میرور انتشار داد. هارمزورث پس از کسب لقب اشرافی وینست، نام خود را به نورثکلیف تغییر داد. او در صحنه سیاست نیز نفوذ فوق‌العاده‌ای داشت؛ به حدی که در عزل و نصب نخست‌وزیران انگلیس نقش اصلی را ایفا می‌کرد. لوید جورج (۱۹۱۷) نخست‌وزیری بود که صرفاً با کمک نورثکلیف به حکومت رسید.

روبرت مرداک کار خود را از یک شهر استرالیا شروع کرد و سپس دامنه کارش را به آسیا، اروپا و آمریکا بسط داد. او هم‌اکنون صاحب بزرگترین مجموعه مطبوعاتی در جهان است و نفوذش در انگلیس به حدی است که مهره‌های بزرگ سیاسی را جابه‌جا می‌کند. قلع و قمع اتحادیه‌های کارگری در انگلیس در زمان تاجر نمونه‌ای از نفوذ خارق‌العاده اوست.

روبرت در ۲۲ سالگی از آکسفورد فارغ‌التحصیل شد. شش ماه دستیار سردبیر دیلی اکسپرس بود. سپس به استرالیا بازگشت و کنترل دومین روزنامه شهر «آدل آید» را به دست گرفت. ابتدا یک هفته‌نامه کوچک در یک جزیره پرت استرالیا خرید. سپس جواز ۹ شبکه تلویزیونی در آدل آید را به دست آورد. دیلی میرور سیدنی را خریداری کرد و ... در ۴۷

سالگی برای تسخیر رسانه‌های اروپایی وارد انگلیس شد و در ۵۲ سالگی به قاره آمریکا وارد شد و شرکت رسانه‌ای فوکس قرن بیستم را صاحب شد.

زنان روزنامه‌نگار

نخستین روزنامه زنان در انگلیس با عنوان لیدیز مرکوری (Ladies Mercury) در سال ۱۶۹۳ منتشر شد. در سال ۱۷۲۳ سردبیر زن نشریه ویستر (The Vister) برای آنکه در بین همکاران خود مرد جلوه کند یا ماسک مردانه به سرکار می‌رفت.

در قرن بیستم به رغم افزایش فارغ‌التحصیلان دختر در رشته خبرنگاری، حضور خبرنگاران زن در مطبوعات انگلیس چندان چشمگیر نبود. در دهه چهارم قرن بیستم حتی یک زن در بین سردبیران انگلیسی به چشم نمی‌خورد. تنها پس از جنگ دوم جهانی بود که زنان بار دیگر به صحنه مطبوعات انگلیس راه یافتند. روزنامه گاردین در بین سایر نشریات انگلیسی در جذب زنان خبرنگار موفقتر بوده است. مقالسه روزنامه‌های انگلیس با امریکا نشان می‌دهد در حالی که در روزنامه‌های آمریکا ۶۵ درصد کارکنان زن هستند، در انگلیس این میزان به ۲۵ درصد می‌رسد.

رسانه‌ها و رشوه‌خواری خبرنگاران

در بین روزنامه‌های انگلیس ایندیندنت در سال ۱۹۹۷ مقررات ویژه‌ای وضع کرد که براساس آن نحوه رشوه گرفتن خبرنگاران تبیین شده بود. از